



حوادث سال هشتم هجرت

چهار سبانی

غزوه طائف

طائف یکی از شهرهای بیلاقی و حاصلخیز حجاز است در جنوب شرقی مکه به فاصله ۱۲ فرسنگی آن شهر قراقرز است ، ارتفاع آن از سطح دریا هزار متر میباشد ، شیرستان طائف بر اثر داشتن حواشیل و باغات و نخلستانهای فراوان مرکز گرو ، خوشگذران حجاز بوده قبیله (ثقیف) که یکی از قبائل نیرومند و پرجمعیت عرب بشمار میرفت در این شهر زندگی می کردند ، واعر ابراهیم از جمله کسانی بودند که در غزوه (حنین) بر خدا سلام حرکت کرده و پس از شکست قحش به شهر خود که دارای دژ محکم و مرتفی بود ، پناهنده شده بودند .

پیامبر برای تکمیل پیروزی دستور داد که فراریان نبرد (حنین) تعقیب شوند ، ابو جاسر اشعری و ابوموسی اشعری با گروهی از سران اسلام مأموریت یافتند که قسمتی از آنها را که به (اوطاس) پناهنده شده بودند ، تعقیب نمایند فرمانده نخست جان خود را در این نبرد از دست داد ، و دومی پیامبری کامل دشمن را پراکنده ساخت و خود پیامبر با پیشسپاه اسلام به طائف گردید (۱) و در مسیر خود به طائف (مالک) آتش افروز ساخت (حنین) را با خاک یکسان نمود ، البته کفریب دژ مالک جنبه انتقامی نداشت ، منظور این بود که در پشت سر خود شعله آتش و پناه گاهی برای دشمن نگذارد .

ستونهای سپاه اسلام یکی پس از دیگری حرکت نمودند و اطراف شهر را اردوگاه خود قرار دادند ، دژ طائف بسیار مرتفع بود ، و دیوارهای محکم داشت ، در جهات غربت آن کاملاً بیخارج قلعه مسلط بود ، محاصره دژ از طرف ارتش اسلام آغاز گردید ، ولی هنوز حلقه محاصره تکمیل نشده بود که دشمن بار گبار تیر از پیشروی سران اسلام مانع شدند ، گروهی را در همان لحظه از پای آورده (۲) .

(۱) بخار الانوار ج ۲۱ ص ۱۶۲ (۲) سیره حلبی ص ۳ ص ۱۳۲

پیامبر اگر م دستور داد که سپاه عقب نشینی کند وارد و گاه خود را در بظلهای که از تبر مس دشمن دورتر بود قرار دهد (۱) سلمان فارسی که مسلمانان از تدابیر نظامی وی در جنگ خندق شجده گرفته بودند ، به پیامبر پیشنهاد کرد که با نصب منجنیق دژ دشمن را سنگباران کند ، منجنیق در تیرهای آرزو کار تو بخانه امر وزدا انجام میداد ، افسران اسلامی با درختی صالی سلمان منجنیق را نصب کردند مدت قریب به بیست روز بر آنها و داخل دژ را سنگباران کردند ، ولی دشمن در برابر این عملیات حاد جنگی ساکت نشسته ، به تیر اندازی خود ادامه داده و از این راه آسیباتی به سپاهیان اسلام میرسانیدند .

اکنون باید دید که در آن گیر و دار مسلمانان چگونه بر منجنیق دست یافتند ، برخی می گویند که خود سلمان با دست توانای خود منجنیق را ساخت و راه پیره بر داری از آن بر سر بالان اسلام آموخت و برخی معتقدند که مسلمانان در فتح خیبر به این آلت جنگی دست یافتند و آنرا همراه خود به طائف آوردند بودند (۲) هیچ بسمورد نیست که سلمان عمان منجنیق را دستکاری کرده ، و راه نصب و کیفیت استفاده از آنرا به مسلمانان آموخته باشد ، از مضمون تاریخ دست می آید که منجنیق منحصر همان نبوده است ، زیرا پیامبر معارف با تیر منجنیق و طائف غمیل بن عمرو دوسری برای کوبیدن بتخانههای قبیله دوس اعزام نموده بود اولاً ناحیه ماعود بیت خود ، فلاحاً ایلات گت ، باجهاد در سرباز که همگی از جوانان قبیله خود بود و بلکه منجنیق و یک ادا به جنگی ، در طائف حضور پیامبر رسیده و در این نبرد از این وسائل جنگی که عیاجاد (دوس) از دشمن به قیمت گرفته بود نیز استفاده شد (۳) .

شکافتن دیوار دژ و سیمله اراپه های جنگی :

برای تسلیم ساختن دشمن حملات همه جانبه لازم بود ، معارف با نصب منجنیق ، و پرتاب در دیوار دژ و در سپاه اسلام به داخل آن عملی گردید ، ولی شکافتن دیوار با شکل بزرگی و برود بود ، زیرا تیر از بر جهاساغر نقله دژ ، مانند گرداب در سر و اجدهای سپاه اسلام می ریخت ، و گلی را برای نزدیک به دیوار می ریخت ، بیشتر وسیله برای این کار اراپه جنگی بود که در آن زمان به صورت ناقص در ارتشهای حاکم جهان وجود داشت ، اراپه جنگی از چوب ساخته میشد و روی آنرا یا پوست کلفتی می پوشانیدند ، و سر بالان قوی در داخل آن قرار گرفته و آنرا به سوی دژ انداخته و در پناه آن دیوار دژ را سوراخ می نمودند ، سر بالان اسلام با کمال رشادت از این وسیله جنگی استفاده کرده و مسئول شکافتن دیوار شدند ، ولی دشمن پارچین پاره آهنی گذاخته و

(۱) طبقات ج ۲ ص ۱۵۸

(۲) سیره حلبی ج ۳ ص ۱۳۴ ، (۳) طبقات ابن سعد ص ۲ ص ۱۵۷

مقتولهای آنتین پوشش آرایه را سودنازیده ، و سقف آراسته میسازند ، و به سر نینلان آن آسیب وارد نمودند ، این شیوه نظامی با تاثیر دشمن به نتیجه نرسیده و پل پیروزی نگردد و مسلمانان با دادن زخمی و کشته از بکاربردن آن منصرف شدند .

ضرر بهای اقتصادی و روانی

پل پیروزی منحصر بکار بستن شیوه های نظامی مادی نیست ، بلکه فرمانده مدبر میتواند با بکار بردن ضرر بهای روانی و اقتصادی از قدرت دشمن بکاهد ، و آثار ابراهیم سلیم و ادار سازد گاهی ضرر به روحی و اقتصادی به مراتب بالاتر از جانگدازتر از ضررهای جسمی و بدنی است که احیاناً به سر بازان دشمن وارد میشود . هرگز زمین خالص زمین نعل و مویز و ویرانه خیزی در میان حیزات و مرز وقت داشت چون در پیروزی و تربیت بخششها و ناکستهای خود ورنجهای فراوانی کشیده بودند علاوه شدیدی به حفاظت و بقاء آنها داشتند .

پیامبر اسلام برای تهدید پناهندگان در اعلام کرد که اگر پناهندگان در به مقاومت و پایداری خود ادامه دهند باغی از آنان دستخوش نشا و نابودی خواهد شد و دشمن به این اختلال اعتنا نکرده ، زیرا تصور نمیگردد که پیامبر لطف و مهربانی از این راه وارد شود . ناگهان دیدند که دستور الهیام با آنها و برین نعل و مویز آغاز گردید ، در این موقع داد و فریاد و التماس و استغاثه دشمن بلند شد و از پیامبر خواستند که به احترام قرابت و خویشی که میان آنان و آنحضرت وجود دارد از این کار صرف نظر کند .

با اینکه پناهندگان در طائف آتش افروزان بر دشمن طائف بودند . و این دو گروه برای پیامبر بسیار گران تمام شده بود . مع الوصف . خواهش دشمن ناپذیرفت . باز دیگر سیمای مهر و مظلوفت خود در صحنه نبرد که سخته شرم و غضب است به دشمن نشان داد ، و بعد از آن خود دستور داد که از بریدن درختان صرف نظر کنند .

او یا اینکه در این دو خیره که با توطئه همین مردم تقیف (که بر سپاه اسلام شیخون زده پس ماندند و باه بلانهای خود پناه برده بودند) بوجوه آمده بود ، افسان و سر برانان زیادی از دست داده بود و جاداشت که برای اخذ انتقام همه از او باغ ماندا یا خاک یکسان کند ، ولی لطف او بر خشم او پیروز شد ، و باران خود را از عمل التماس بازداشت .

با سوابقی که از روضه و نصیر رفندار پیامبر یا دشمن داریم بدون درنگ میتوانیم بگوئیم که دستور بریدن درختان یک شیوه تهدیدی بود ، و اگر این حریم مؤثری می افتاد قطعاً از ادامه آن خودداری نمینمود .

آخرین شیوه برای کشیدن در

قبیله تقیف گروه تروتمند و مالدار بودند . غلامان و کنیزان زیادی در اختیار داشتند ،

پیامبر برای کشت اطلاعات از اوضاع داخل در ، و اندازه قدرت و آماده گی دشمن ، و ایجاد اختلاف در آن گرفتار و مستعمل ، دستور داد آگهی شود که هر کسی از بر دگان دشمن از در خارج گردد و به ارتش اسلام پناه آورد آزاد خواهد بود . این شیوه واحدی مؤثر واقع شد ، حدود بیست نفر از بزرگان با مهارت کامل از در گریخته ، و به مسلمانان پیوستند ، ضمن بازجویی از آنان معلوم شد که افراد در هیچ قیمت حاضر به تسلیم نیستند ، و اگر هم این محاصره یکسال ادامه پیدا کند آنان از نظر آب و غذا در سینه فرار نخواهند گرفت .

ارتش اسلام به مدینه باز میگردد

پیامبر اسلام در این نبرد تمام شیوه های نظامی را از مادی و معنوی بکار برد ، ولی تجربه ایات کرد که گنودوز به فعالیت و سر بردستی نیازمند است . دوسومتی که شرایط زمان و فصل است ، و امکانات ارتش اسلام دیگر پیش از این وارد منطقه طائف اجازه نمیدادند بر اولاد در این مدت محاصره ۱۳ نفر از مسلمانان کشته شده بود که هفت نفر از آنها از قریش ، و چهار نفر از سایر بزرگان از قبیل دیگر بود و گروهی دروادی چنین بر اثر سمله مکارانه دشمن و گریختن طایف از این رفته بودند و متأسفانه نام و شماره آنها در کتابها ضبط نشده است . از این نظر بطور حسی در روایات دشمن مشاهده میشد .

تا اواخر ماه شوال الحبر می شد ، و ماه ذی القعدة که جنگ و نبرد در آن ماه در نظر ملت عرب حرام بود ، و اسلام هم بعدها این سنت صالح را تحکیم نمود وارد میگردد (۱) برای حفظ این سنت ، لازم بود که هر چه زودتر محاصره بر چیده شود ، و عرب تقیف پیامبر را به مخالفت با صلح میمنت سازند .

از این گفته مراسم حج نزدیک بود ، و نظارت بر مراسم حج آنسال بر عهده مسلمانان بود و پیش از آنکه مراسم حج در نظر حکومت مشرک مکه اداره میشد .

موسم حج که پدید آورنده یک اجتماع باشکوه و انبوهی از تمام نقاط عربستان میباشد ، برای اولین بار با دوست داده بود جدا کثر استفاده بکند و فکر خود را متوجه مسائل دیگر که به مراتب بالاتر از تفریح و لذت افتاده است بنماید . باید نظر گرفتن شرایط فوق ، پیامبر محاصره طائف را ترک گفتند ، و همراه پیامبران خود به (جمرانه) حرکت کرد .

(۱) شاعر این گفتار اینست که پیامبر در پنجم شوال مکه را ترک گفته و مدت محاصره حدود بیست روز بوده ، و باقی مانده ماه که پنج روز است در راه پیمانی و نبرد چنین صرف شده است . و اینکه گفته شد که مدت محاصره ۲۰ روز بوده ، مطابق روایاتی است که این هشتم نقل کرده ولی این سید در طبقات ۲ ص ۱۵۸ مدت محاصره را چهل روز ضبط کرده است .